

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی **صبح ایران**

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: **مهدی رحمانیان**

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴۰ و ۸۸۹۳۶۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شترت روزنامه

سه‌شنبه ۹ دی ۱۴۰۴ • ۹ رجب ۱۴۴۷ • ۳۰ دسامبر ۲۰۲۵ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۲۹۳ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۷ • اذان مغرب ۱۷:۲۰ • اذان صبح فردا ۵:۴۴ • طلوع آفتاب ۷:۱۴



با گذشت نخستین هفته از اولین ماه زمستان، شهر تبریز تن‌پوش سفید زمستانی بر تن کرد. عکس: علی حامد حق‌دوست، ایرنا

instagram:sharghdaily1
twitter:sharghdaily
youtube:sharghdaily
Telegram:SharghDaily
apararat:tasvirshargh
www.sharghdaily.com

چرا صدای فقر شنیده نمی‌شود؟



قادر باستانی‌تبریزی

قیمت ارز، طلا و سکه، دل مردم را خالی کرده است. نگرانی امروز، دیگر از جنس پیشرفت و آینده روشن نیست؛ از جنس نان، اجاره، دارو و خوراک برای سیرکردن شکم زن و بچه است. لایب‌ترکز تصمیم‌گیران بیشتر روی فقیران رسمی و دهک‌های پایین است، اما «طبقه متوسط سقوط‌کرده» عملاً دیده نمی‌شوند. شاسغلان فقیر، بازنشستگان با درآمد ثابت، خانواده‌هایی که کمک‌گرفتن از خیریه را دون شان خود می‌دانند. همان‌ها که دندانپزشکی را کلا فراموش کرده‌اند. همان‌ها که وقتی یک دبه ماست دست کسی می‌بیند، حساب دخل‌وخرج‌شان را در ذهن مرور می‌کنند. آمارها می‌گوید تورم مواد غذایی به ۶۶ درصد رسیده؛ یعنی هزینه خوراک، همه درآمد یک خانواده را می‌بلعد. این دیگر سختی معیشت نیست، جدال برای بقاست. نرخ فقر که سال‌ها حدود ۲۰ درصد بود، جهش کرده و حالا جامعه در آستانه کانال ۴۰ درصد است. یعنی نزدیک به نیمی از مردم، در وضعیتی‌اند که حتی تأمین حداقل کالری روزانه‌شان هم تضمین نیست. همه می‌بینیم طبقات اجتماعی چطور فشرده شده‌اند. تفاوت مصرف دهک‌های میانی با دهک‌های پایین گاهی به اندازه یک عدد میوه یا یک قرص نان است. بخش بزرگی از جامعه روی لبه تیغ حرکت می‌کند. از حدود ۳۰ میلیون خانوار، کمتر از هفت میلیون توان خرید ماهانه بالای ۲۰ میلیون تومان دارند. یعنی تقریباً عموم خانواده‌ها در معرض سقوط‌اند. شبکه‌های حمایتی هم دیگر مثل قبل کار نمی‌کنند. خانواده‌ها، خیریه‌ها، نهادهای مدنی، همه زیر فشارند، چون تعداد

خارجی‌خوانی

خاطرات یک زندانی



محمودفاضلی

حداقل دوست دارد خوانندگان او را این‌گونه ببینند. پس از بازرسی کامل بدنی، به طبقه‌ای که در آن محبوس خواهد شد، بالا می‌رود: «انگار همه آنجا ترتیب داده بودند که وقتی من از آنجا رد می‌شدم، آنجا باشند». سارکوزی که به عنوان زندانی شماره ۳۲۰۵۳۵ نام گرفته تلاش می‌کند دچار ترحم به حال خود نشود. واضح است که سلول شماره ۱۱ مورد علاقه او نیست. علاوه بر میز و صندلی کثیف، دوش «نامناسب‌ترین» وسیله‌ای است که او تا به حال دیده است و تشک، سفت‌ترین تشکی است که تا به حال احساس کرده و آنچه در نصف ارتفاع آویزان شده است، به طوری که او مجبور است «برای مرتب‌کردن موهایی که کوتاه‌کردن ریش ختم شود». او به دلایل ایمنی در سلول خود منزوی شده بود. سارکوزی از خوردن غذای زندان امتناع می‌کند و با ماست، غلات صبحانه، آب معدنی، آب سیب و «چند خوراکی شیرین» که در یک یخچال کوچک نکه می‌دارد، امرار معاش می‌کند. سارکوزی در بخشی از کتاب خود درباره ملاقاتش با «مانوئل مکرون»، رئیس‌جمهور فرانسه در کاخ الیزه، چند روز قبل از رفتن به زندان می‌نویسد: «من چیزی برای گفتن به او نداشتم و تمایل کمی برای یک گفت‌وگوی دوستانه داشتم». مکرون به سارکوزی گفت او را به زندان دیگری، ظاهر‌ا‌من‌تر، منتقل خواهد کرد.

مورد انتظارترین کتاب پایان سال

این کتاب «مورد انتظارت‌رین کتاب پایان سال» نامیده شده است؛ شرح وقایع زندگی سارکوزی، رئیس‌جمهوری سابق فرانسه، پشت میله‌های زندان، به گفته نویسنده، این کتاب در هفت تا هشت ساعت کار فشرده از روی یک صندلی نازحت پشت یک میز سیست در سلول ۱۲ متر مربعی در زندان نوشته

فقر و گرانی را این روزها زیاد می‌بینیم. در خیابان، در مغازه، در میدان تره‌بان، صحنه‌ها آن‌قدر تکراری شده‌اند که انکار دیگر کسی از دیدن‌شان شوکه نمی‌شود. دیروز مردی را دیدم که در صف نانواپی ایستاده بود، نوبتش که شد کارت کشید، موجودی کافی نبود. مکث کوتاهی کرد، چیزی نگفت و ساکت و شرمنده برگشت. هیچ‌کس هم چیزی نگفت. شب بلد، در مغازه میوه‌فروشی، مرد محترمی را دیدم، دوتا انار برداشت. دست‌دست می‌کرد و منتظر بود صف ترازو خلوت شود. انکار می‌خواست کسی نبیند که خرید شب چله‌اش همین دو انار است. در میدان تره‌بار نزدیک خانه ما، غروب‌ها، غرفه‌داران میوه‌های مانده را بیرون میدان می‌گذارند و با قیمت نازل می‌فروشند. قبلاً مردم از هم خجالت می‌کشیدند از آنها بردارند. حالا خانم‌های خانه‌دار منتظر همین ساعات‌اند، چون تنها فرصتی است که می‌توانند با پول‌شان چیزی بخرند. اینها حاشیه نیست، متن زندگی است. نشانه‌های یک بحران عادی‌شده است؛ بحرانی که فقط سفره‌ها را کوچک نکرده، دل‌ها را هم خالی کرده است. آن روز مرد میانسالی را در مترو دیدم که غمگین و مستاصل نشسته بود. پرسیدم چیزی شده؟ گفت فرزندِی دارد با بیماری ام‌اس. این ماه نتوانسته همه داروهایش را بخرد و مجبور شده چند قلم‌گران‌تر را حذف کند. با بغض گفت: «کاش می‌مردم و این روزها را نمی‌دیدم». بعد جمله‌ای گفت که اصلاً از ذهنم بیرون نمی‌رود: «مشکل اینه که مقامات تحریم نیستن؛ مردم تحریمن». و پرسید تاکنون بیماری از خانواده مقامات بوده که داروی نایاب داخلی را از خارج برایش نیاورده باشند؟ یا درد دندان را تحمل کرده و دکتر نرفته باشد فقط برای صرفه‌جویی در هزینه و کشاندن خود تا سر برج؟

این روزها هر بار برای خرید می‌روم، گرانی را با تمام وجود حس می‌کنم. قیمت‌ها دیگر ماهانه یا هفتگی تغییر نمی‌کنند، روزانه تغییر می‌کنند. مهم‌تر از خود گرانی، حسّی است که به ما منتقل می‌شود؛ اینکه انکار برنامه‌ای برای مهار اوضاع وجود ندارد. مردم حس می‌کنند دولت تصمیم‌گیر اصلی نیست. دولتی که حتی اختیار برداشتن فیلترینگ را ندارد، چطور می‌تواند به مردم اطمینان بدهد که از معیشت‌شان حفاظت خواهد کرد؟ افزایش روزانه نیکولا سارکوزی، رئیس‌جمهوری سابق فرانسه، ممکن است با مشکلات قانونی فزاینده‌ای روبه‌رو باشد، اما درباره جایگاه او به عنوان یک نویسنده پرفروش شکی نیست. کتاب عجولانه او درباره تجربه اخیرش در زندان، به گفته ناشرش، در کمتر از یک هفته ۱۰۰ هزار نسخه فروخته است. کتاب توسط انتشارات «فایارد»، تحت کنترل نفوذ افسر و میلیاردر راست‌گرا، «وینسنت بولور» منتشر شد. این میلیارد‌ر نفوذ زیادی در رسانه‌ها و سیاست فرانسه دارد. کتاب ۲۱۶صفحه‌ای سارکوزی به دلیل پیام سیاسی خود، جنجال به پا کرده است. سارکوزی در ماه سپتامبر گذشته به جرم درخواست کمک مالی غیرقانونی از معمر قذافی، دیکتاتور سابق لیبی، برای کمپینی که در سال ۲۰۰۷ به ریاست‌جمهوری او منجر شد، مجرم شناخته شد. او به پنج سال زندان محکوم شد، اما پس از گذراندن فقط ۲۰ روز، پس از آنکه قاضی دستور آزادی مشروط او را صادر کرد، زندان لا سانه در پاریس را ترک کرد. او در دو پرونده‌ای دیگر، یکی به دلیل تأمین مالی غیرقانونی کمپین و دیگری برای فساد و سوءاستفاده از نفوذ، محکوم شده است. او و همسرش با محاکمه احتمالی دیگری به دلیل اتهاماتی مبنی بر تلاش برای رشوه‌دادن به یک شاهد کلیدی دادستانی روبه‌رو هستند.

در زندان چه گذشت؟

زندان «لا سائنه» محیطی طاقت‌فرسا دارد. زندانی ۲۵ دقیقه زودتر رسیده بود. او این لحظات را چنین شرح می‌دهد: «وقت‌شناسی» یک بیماری است. مرد وظیفه‌شناسی مثل او در زندانی از «آدم‌کش‌ها، خلافکاران و کلاهبرداران از هر نوع» چه می‌کند؟ او مدعی است گرفتاری او، نتیجه توطئه برای درخواست پول از دولت لیبی، تحت دیکتاتوری سرهنگ معمر قذافی، برای تأمین مالی مبارزات انتخاباتی ریاست‌جمهوری خود در سال ۲۰۰۷ نیست. سارکوزی «بی‌نگاهی کامل و مطلق» خود را حفظ می‌کند و اصرار دارد سقوطش کار دشواری از دشمنان پنهان اوست. او می‌نویسد: «به طنز موقعیت و به این زندگی عجیب خودم فکر کردم. چرا چنین موقعیت افراطی‌ای را تجربه کرده‌ام؟». این همان مردی است که زمانی قول داده بود با استفاده از یک دستگاه شست‌وشوی صنعتی، حومه پاریس را از «باله‌های» انسانی پاک کند. اما او اکنون ملایم‌تر و آسیب‌پذیرتر است، یا

۵۰ میلیون دلار

سال‌ها پیش حسابدار آل‌پاچینو همه چیز او را یعنی ۵۰ میلیون دلارش را زددید. حسابدارش در برانکس، کنت آی استار بود که از ده‌ها ستاره درجه‌یک هالیوود در یک طرح عظیم کلاهبرداری کرد اما فقط سه هفت سال زندان محکوم شد. شرکب زندگیش، «دایان کیتون»، به او دستور داد به سر کار برگرد و پاچینو نصیحت دایان را گوش کرد، اما از دست دادن آن همه پول، مسیر شغلی‌اش را تغییر داد. او احساس کرد مجبور است برای جمع‌آوری سرمایه، نقش‌های بی‌ارزشی را در فیلم‌های بی‌ارزش بازی کند.

طنزخوانی

برسد به دست مرکز تحقیقات صداوسیما



آیدین سیار سریع

رئیس مرکز تحقیقات صداوسیما گفت: هر فردی در طول یک هفته دست‌کم ۱۵ دقیقه برنامه‌های صداوسیما را حتی به صورت گذری تماشا کند، در آمارها به عنوان مخاطب مطرح می‌شود.

از آنجایی‌که به نظر می‌رسد این آمار با سهل‌انگاری تهیه شده، لازم است آیین نامه جدیدی برای اخذ آمار ابلاغ شود. در همین راستا پیشنهادهای خود را مطرح می‌کنیم:

۱. چنانچه شخص دستگاه تلویزیون خانه یا محل کارش را روشن کند و به دلیل تنظیمات دستگاه، سهوا تصویر صداوسیما در قاب تلویزیون نمایان شود، ولو اینکه شخص فوراً بزند روی ماهواره، شخص فوق‌الذکر جزء بینندگان صداوسیما محسوب می‌شود (یک لحظه تعلل، یک عمر پشیمانی).
۲. چنانچه فردی به فرزند یا همسر خود بگوید «زن اخبار ببینم چی می‌گه»، ولو آنکه همسر یا فرزند با یک‌دندنگی و لجبازی به ادامه دیدن سریالش از جم‌تی‌وی یا هر رسانه اجنبی دیگر بپردازد، آن فرد مظلوم به عنوان مخاطب صداوسیما مطرح می‌شود.

۳. افرادی که در آرایشگاه‌های مردانه روی صندلی می‌نشینند و حین اصلاح سر و صورت، چاره دیگری جز دیدن شبکه محبوب و مردمی آی‌فیلم ندارند، به روش قهری به عنوان مخاطب صداوسیما مطرح می‌شوند.

۴. مسافران اسنپ، تپسی، تاکسی‌های شهری، بین‌شهری و... که در معرض اصوات رادیو هستند، به عنوان مخاطب صداوسیما مطرح می‌شوند. ولو آنکه ناگفتنی‌هایی را به گوینده رادیو که سر صبح با انرژی می‌گوید جوان ایرانی سلام، حواله دهند.

تبصره: بیمارانی که در معرض امواج رادیولوژی قرار می‌گیرند هم چون به هر حال پای رادیو مطرح است، به این آمار اضافه خواهند شد.

۵. هر شخصی که در هفته حداکثر یک مسابقه فوتبال تماشا کند و با وجود این باز هم انکار کند که مخاطب پروپاقرص تولیدات سازمان است، در آمار دو نفر محسوب می‌شود تا بفهمد ریا و تظاهر کار پسندیده‌ای نیست.

۶. هر شخصی که در دیدارهایی موسوم به دیت یا همان قرار جذب صدا یا سیمای طرف مقابل شود، به صورت اتوماتیک به عنوان مخاطب صداوسیما مطرح می‌شود.

۷. هر شخصی که محسن تابنده (بازیگر محصولات صداوسیما) را در جایی مشاهده کند و با اشتیاق بگوید: «عه! نفی!»، طبیعتاً جزء آمار بینندگان صداوسیما قرار می‌گیرد.

۸. افراد پیاده یا سرنشینان خودروهایی که از کنار درهای شمالی و جنوبی محوطه ساختمان صداوسیما عبور می‌کنند، ولو اینکه کسری از ثانیه سرشان را به سمت ساختمان بچرخانند، با توجه به اینکه به هر صورت دارند صداوسیما را می‌بینند، باید در آمار مرکز تحقیقات لحاظ شوند.

۹. اشخاصی که به دلیل تفاوت در اندیشه یا به هر دلیل دیگری از جانب برنامه‌های تولید‌شده در صداوسیما مورد توهین قرار می‌گیرند، چون توهین خطاب به آنها صورت گرفته، جزء مخاطبین صداوسیما محسوب می‌شوند.

۱۰. صاحبان شماره‌ها و خطوط تلفن همراه که در گوشی‌های همراه پرسنل رسمی و غیررسمی صداوسیما به عنوان «مخاطبین» ذخیره شده‌اند، بدیهی است اگر در عمرشان یک ثانیه هم به تماشای صداوسیما نشسته باشند، در آمار به عنوان مخاطب مطرح خواهند شد.

امضا، سیار سریع

مستدعی است جهت رسیدگی و اجرا به کلیه واحدهای مرکز تحقیقات صداوسیما ابلاغ گردد.

نکته‌خوانی

نقدکنند؛ استاندار لرستان نازاحت می‌شود



حسین رمضان‌زاده

عضویت‌مدیره‌کارزار

آقای استاندار، سلام. راستش نوشتن این متن خیلی دشوار است. دشوار از جهات مختلف. پیش و بیش از همه از این نظر که چه بنویسم که خدای ناکرده گرفتار شکایت شما نشوم. عجیب اینکه وقتی نام شما را جست‌وجو می‌کنیم، در منابع متعدد تأکید شده است که شما اصلاح‌طلب هستید. البته شاید هم انتظار ما از یک استاندار اصلاح‌طلب دقیق نیست. نمی‌دانم و این موضوع چندان اهمیتی هم ندارد.

راستش دلیل نوشتن این چند خط، شکایت شما از نویسنده و تبلیغ‌کننده یک کارزار است. غم‌انگیز اینکه گویا این تنها شکایت شما از منتقدان و اهالی رسانه نبوده است. به نظر می‌رسد ید طولایی در این مسیر دارید و احتمالاً به نظر خودتان راه مناسبی برای برخورد با منتقدان پیدا کرده‌اید، ولی باور بفرمایید راهش این نیست. فرض بفرمایید هر آنچه در کارزار «اعتراض به انتصاب استانداران بازناشته» آمده، اشتباه بوده است. فرض می‌کنیم اصلاً شما بازنشسته نبوده‌اید یا با وجود بازنشستگی چنان مدیر برجسته‌ای هستید که اصلاً در کل میلیون‌ها ایرانی مثل شما پیدا نمی‌شود. فرض را بر این می‌گیریم که مدیریت استان لرستان تنها و تنها به دست پرتوان شما ممکن است. همه اینها قبول. اما آن لحظه که داشتید به کارمندان خود دستور می‌دادید که موضوع را به صورت حقوقی پیگیری کنند، یک لحظه با خود نگفتمید که به عنوان یک اصلاح‌طلب شاید این موضوع برای وجهه خودتان مناسب نباشد؟ شاید این کار سبب ضربه به چهره شما نزد افکار عمومی شود؟

احتمالاً به اینجا می‌ماجرأ فکر نکرده بودید. اما راستش من خیلی به این موضوع فکر کردم. به اینکه شاید ما مردم در اینجا کمی کوتاهی کرده‌ایم. کوتاهی کرده‌ایم که یک استاندارد به خود حق می‌دهد به صرف مخالفت چند شهروند، از آنان شکایت کند و هیچ‌گونه نگرانی هم نداشته باشد. کوتاهی ما شهروندان بوده که یک استاندارد به خود حق داده از ۱۰ خبرنگار استان شکایت کند. این مورد حتی صدای نماینده مردم در خرم‌آباد را هم درآورده و ایشان از رئیس‌جمهور پرسیده شما استاندارد به لرستان فرستاده‌اید یا...؟ آقای شاه‌رخ‌ا! ما نه از شما و نه از هیچ مدیر دیگری انتظار نداریم افکار عمومی را باور کند، نگران وجهه خودش باشا یا مثلاً به این فکر کند که ممکن است واکنش مردم یا رسانه‌ها به یک خبر چه باشد. ما می‌دانیم که چنین چیزی به ذهن شما خطور نمی‌کند. اما برای مان سؤال است که به‌راستی دید شما درباره خودتان چگونه است؟ درباره جایگاه خود چطور فکر می‌کنید؟ شما امیراتور هستید؟ شما یک فرد عاری از هرگونه اشتباه هستید که تنها باید ثای شما را قفت یا صرفاً نماینده دولت در یک استان؟ در چه جایگاهی قرار دارید که به گفته نماینده مردم خرم‌آباد از ۱۰ خبرنگار شکایت کرده‌اید؟ چرا فکر می‌کنید هرکس که به جایگاه رفیع شما و تصمیمات‌تان معترض یا منتقد بود، سزاوار زندان و تبعید است؟ شما چه جایگاه والایی دارید که یک شهروند قبل از نوشتن درباره شما بر خود بلزد که عواقب یک یادداشت چیست؟

چرا یک کارزار اعتراضی درباره انتصاب استانداران باید با چنین برخوردی مواجه شود؟ گیرم تکتک جملات آن کارزار به دور از واقعیت بوده. گیرم که نویسدگان و تبلیغ‌کنندگان یک مطالبه به قصد دیگری آن مطالبه را منتشر کرده‌اند، چرا به‌جای شکایت چند خط پاسخ ننوشتید و برای پلنگرم کارزار و رسانه‌ها ارسال نکردید؟ چه شد که اولین چیزی که به ذهن‌تان رسید، شکایت بود؟

البته این تقصیر ما مردم است. تقصیر ماست که واکنش لازم را به شما نشان ندادیم. اشتباه ما بوده که طوری رفتار کرده‌ایم که یک مدیر به خودش اجازه می‌دهد با شکایت‌های متعدد اهالی رسانه یک استان را ساکت کند. شاید ما اشتباه کردیم. شاید رسانه‌ها در سراسر کشور اشتباه کردند که در حد یکی، دو خط در این زمینه ننوشتند. نمی‌دانم آقای استاندار! شاید هم شما بهترین مدیر تاریخ بشریت هستید و کسی نباید درباره شما معترض و منتقد باشد؛ شاید.

۱۲ میلیون نفر

رئیس مرکز تحقیقات صداوسیما درباره یکی از برنامه‌ها گفت: «برنامه، ۲۰ درصد معادل ۱۲ میلیون مخاطب دارد و نمی‌توان این میزان اقبال را نادیده گرفت؛ اگر کسی خوشش نمی‌آید، نگاه نکند». در دوره ریاست پیمان جبلی، آمار مخاطبان محرم‌انده شده است. باین حال، برخی رسانه‌ها از جمله روزنامه فرهیختگان اقدام به انتشار آماری کرده‌اند، از جمله این برنامه که هفت درصد مخاطب دارد. همچنین بنا بر نظرسنجی تابستان ۱۴۰۴ صداوسیما که نتایج آن را منتشر شد، میزان مخاطبان این برنامه همچنان حدود هفت درصد برآورد شده است.

۳ برابر

ترامپ در ۱۱ ماه گذشته ثروت خودش را سه برابر کرده است؛ این نکته‌ای است که ساتور برنی سندرز در ایکس نوشت. او در متن خود آورده است: «ثروت دونالد ترامپ از زمانی که رئیس‌جمهور شد، تقریباً سه برابر شده است که عمدتاً توسط سرمایه‌گذاری‌های کریپتو که توسط دولت‌های خارجی تأمین مالی شده‌اند، پیش رانده شده است. ما به رئیس‌جمهوری نیاز داریم که برای بهبود زندگی میلیون‌ها نفری کار کند که نمی‌توانند هزینه غذا، مسکن یا مراقبت‌های بهداشتی را تأمین کنند، نه کسی که خودش را غنی کند».